

پاسخ سیدحیدر آملی به تناقض‌نمایی

عدم و ثبوت مظاهر در «حدیث حقیقت»

محسن حبیبی*، استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

علی یزدانی**، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

«حدیث حقیقت» که کمیل از امام علی (ع) نقل کرده، مضامین عالی‌ه‌ی دارد و بزرگانی همچون سیدحیدر آملی بر آن شرح نوشته است. آملی در تفسیر فقره اول حدیث، یعنی «الحقیقة كشف سبحات الجلال من غير اشارة» به این موضوع اشاره میکند که طبق این حدیث، حق تعالی در صور مظاهر ظهور دارد و در عین حال، این مظاهر معدومند. این جمله متناقض‌نما (پارادوکسیکال) است و لذا سیدحیدر در پی حل آن برآمده است. از نظر او مظاهر و ماهیات در عدم خود ثابتند و به اسم «نور الهی» که همان وجود حق تعالی است، ظاهر میشوند. آنها دائماً در عدمند و این اسم ظاهر الهی است که آن به آن، به آنها وجود میدهد و گرنه اگر دائماً موجود باشند، وجود دادن به آنها تحصیل حاصل خواهد بود. او در پاسخ به این امر تناقض‌نما، از تمثیل دریا و موج بهره برده است. دریا در قالب موج نمود پیدا میکند، پس موج از جهتی هست و از جهتی نیست. با این توضیح سیدحیدر سعی کرده تناقض‌نمایی در فقره اول حدیث را مرتفع سازد.

کلیدواژگان

حدیث حقیقت

ثبوت

مظاهر

سیدحیدر آملی

عدم

امام علی (ع)

پیش‌درآمد؛ «حقیقت» در سنت فلسفی

برای ورود به بحث لازم است دو موضوع روشن شود: ابتدا، «حقیقت» در سنت فلسفی و حکمی و دوم، سند و معنای اجمالی «حدیث حقیقت». حقیقت از جمله موضوعاتی است که از دوران باستان تاکنون مورد بحث و بررسی اندیشمندان و فیلسوفان بوده است. در میان پیشاسقراطیان، گزنفون یا کسنوفانس (۴۷۵ تا ۵۷۰ یا ۵۶۰ ق.م) حقیقت را به ناپوشیدگی بازگردانده و معتقد بود معرفت انسان نسبی و ظاهری است و تنها معرفت خدایی شایسته حقیقت بودن است که این حقیقت نیز غیر اکتسابی است. به نظر او هیچکس نمیتواند حقیقت را بفهمد، چراکه حجابی بر روی آن کشیده شده است.^۱ هر اکتیوس حقیقت را به «کلمه» بازگرداند و آن را لوگوس نامید.

(نویسنده مسئول) Email: fmohsenhabibi212@gmail.com *

** Email: aliyazdani1382@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۷/۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۵

۱. شاپوری، «فهم از حقیقت نزد پیشاسقراطیان»، ص ۱۶۲.

تناقض‌نما